**باسمه تعالی**

**دوشنبه، 17/07/1396**

**فقه / درس شماره 3**

**درس خارج فقه استاد سیدمحمدجواد شبیری**

خلاصه بحث جلسه گذشته

بحث در مورد این بود که مراد از جد همراه إخوه در روایات ما چیست. علما می‌گویند جدّ أبی به منزله أخ أبی و جدّه أبی به منزله اُخت أبی است. همچنین جدّ و جدّه اُمّی به منزله أخ و اُخت امّی هستند. آقای سید محمد سعید حکیم این مطلب را قبول ندارند و می‌گویند جدّ و جدّه چه أبی باشند و چه اُمّی، به منزله أخ و اُخت أبی هستند. ایشان به گروهی از روایات تمسک کرده‌اند. ما در مورد این روایات داشتیم صحبت می‌کردیم که آیا این‌ها اطلاق دارند یا خیر.

فتوای عامه

گفتیم برای این‌که این روایات فهمیده شود باید قدری فتواهای عامه را در بحث ارث دانست و با توجه به آن‌ها مفاد روایات روشن‌تر می‌شود. گفتیم عامه اتّفاق نظر دارند که جد و جدّه اُمّی جزء فرض‌برها و کسانی که به منزله فرض‌بر هستند، نیستند و جدّ و جدّه اُمّی همراه با هیچ کدام از إخوه و أخوات أبی یا اُمّی ارث نمی‌برند. جد و جده امی به اصطلاح آن‌ها جزء اولوا الارحام هستند. طبق نظر عامه ارث اولوا الارحام در جایی است که نه فرض‌بری باشد و نه عصبه‌ای و در مرحله بعد از آن ارث اولوا الارحام مطرح است. این‌که اصلاً ارث اولوا الارحام هست یا نیست، خیلی بینشان اختلافی است ولی در این بحثی ندارند که تا وقتی که فرض‌بر و عصبه هستند نوبت به ارث اولوا الارحام نمی‌رسد. بنابراین در جایی که إخوه أبی یا امّی وجود داشته باشند، طبق نظر عامه به جدّ و جدّه امّی ارث نمی‌رسد. اما اگر جدّ أبی با إخوه و أخوات اُمی باشد چه حکمی دارد؟ عامه می‌گویند که جدّ أبی ارث می‌برد و إخوه و أخوات اُمی دیگر ارث نمی‌برند. یعنی هر جا که پای اُمّ در کار بیاید، او ارث نمی‌برد. اگر إخوه اُمّی با جدّ أبی باشند، جدّ أبی ارث می‌برد و اگر إخوه ابی با جدّ امّی باشند، إخوه أبی ارث می‌برند. این نظر عامه است.

اما در جایی که هر دو أبی باشند اختلافی است. حکم إخوه امّی با جدّ أبی اتفاقی است که جدّ أبی ارث می‌برد و إخوه امّی ساقط می‌شوند. آن‌چه اختلافی است جایی است که هر دو أبی باشند، هم جد أبی باشد و هم إخوه أبی. جایی که جدّ أبی با إخوه أبی همراه باشد، اتفاق دارند که جدّ أبی ارث می‌برد، اما در این‌که همراه او إخوه أبی هم ارث می‌برد یا خیر اختلاف است. این چکیده فتواهای عامه در این مسئله است.

پاسخ سؤال: اگر هر دو امّی باشند جدّ امّی ارث نمی‌برد. جدّ امّی علی أیّ تقدیر ارث نمی‌برد.

چند دسته روایت

با توجه به این فتواهای عامه می‌خواهیم روایات را توضیح دهیم. ما چند دسته روایات داریم. یکی روایاتی که إخوه اُمّی با جدّ ذکر شده‌اند. دسته دیگر روایاتی که إخوه أبی با جدّ ذکر شده‌اند. أبی که می‌گوییم اعم از أبی و أبوینی است. یکی هم روایاتی که إخوه و جدّ ذکر شده است و أبی و اُمّی در آن ندارد. روایات دیگری هر دو گروه را دارد یعنی هم حکم إخوه اُمّی و جد را دارد و هم إخوه أبی و جد و هر دو را در یک روایت جمع کرده است. لحن این روایات متفاوت است، یعنی با نگاه به روایت کاملاً مشخّص می‌شود که تعبیرات متفاوت است. متفاوت بودن تعبیرات به خاطر این است که آن شبهه‌ای که منشأ روایات است فرق دارد.

روایاتی که إخوه اُمّی و جد را مطرح می‌کند، محور بحثی که مطرح کرده این است که آیا إخوه امّی همراه جد ارث می‌برد یا خیر. مثل این‌که مسلّم است که جدّ ارث می‌برد و بحث این است که إخوه امّی ارث می‌برد یا خیر. جدّی که این‌جا مراد است جدّ أبی است، در حالی که در مورد جدّ اُمّی با إخوه اُمّی بحثی نیست، چون در میان عامه جدّ امّی ارث نمی‌برد و اگر بخواهد تخطئه عامّه هم باشد، به این لحن نباید باشد که إخوه امّی ارث می‌برد یا خیر. حال آن جدّ چگونه است؟ چون در واقع چیزی که اتّفاق نظر دارند این است که جدّ امّی همراه إخوه اصلاً ارث نمی‌برد. ولی این‌جا محور بحث إخوه امّی است.

روایت ابو الصباح الکنانی

در روایت شماره 44882 جامع احادیث الشیعه از ابی الصباح الکنانی آمده است:[[1]](#footnote-1)

**سألت أبا عبد اللّه7 عن الإخوة من الأمّ مع الجدّ**

سؤال از این است که إخوه از امّ با جد ارث می‌برد یا خیر و سؤال از جدّ نیست. سؤال این نیست که جایی که إخوه امّی و جدّ باشند حکم ارث چیست، بلکه می‌پرسد آیا إخوه امّی همراه با جدّ ارث می‌برد یا خیر. پاسخ امام7 را هم ملاحظه فرمایید.

**قال الإخوة من الأمّ فریضتهم الثلث مع الجدّ**

جدّی که مسلّم است که ارث می‌برد جدّ أبی است و الا جدّ امّی که قطعاً سنی‌ها می‌گویند ارث نمی‌برد. پس سنی‌ها می‌گویند اگر جدّ أبی باشد إخوه امّی همراه او ارث نمی‌برند و همین مطلبی که عامه بر آن اتفاق نظر دارند را سؤال کرده‌اند و امام7 تخطئه کرده‌اند و فرموده‌اند نه، اگر جدّ همراه إخوه امّی باشد، إخوه امّی به وسیله جدّ أبی محجوب نمی‌شود و جدّ أبی حاجب إخوه امّی نیست.

پاسخ سؤال: نه، پاسخ امام7 هم مشخص است. بحث این است که جد ارث می‌برد یا خیر. چرا این را پرسیده است؟ نه سائل سؤال کرده و نه امام 7 جواب داده است.

پاسخ: این‌ها که اصلاً مورد بحث نیست. حضرت می‌فرمایند سهمیه خودش را می‌برد. بعضی چیزهایی که این‌جا وجود دارد بحث‌هایی دارد، صبر کنید.

در واقع مقداری استدلال هم در کلام امام 7 هست. می‌خواهند بفرمایند آن آیه قرآنی که برای إخوه امّی فریضه ثلث تعیین کرده است، به جایی که جدّ نباشد اختصاص ندارد، فریضه را تعیین کرده است و فریضه را چه جدّ باشد چه نباشد باید ببرد.

روایت حلبی

روایت بعـدی شماره 44883 است:[[2]](#footnote-2)

**فی الإخوة من الأمّ مع الجدّ قال للإخوة من الأمّ مع الجدّ نصیبهم الثّلث مع الجدّ.**

روایت دیگر

در روایت 44884 می‌خوانیم:[[3]](#footnote-3)

**سألته عن الإخوة من الأمّ مع الجدّ فقال للإخوة للأمّ فریضتهم الثّلث مع الجدّ.**

روایت بعدی

روایت بعدی چنین است:[[4]](#footnote-4)

**روی أبان عن بکیر و الحلبیّ عن أحدهما علیهما السلام قال للإخوة من الأمّ الثلث مع الجدّ و هو شریک الإخوة من الأب.**

این جد را ملاحظه فرمایید. بحث نکرده‌اند که جد ارث می‌برد یا خیر، آن بحث دیگری است. می‌فرمایند این جدّ با إخوه أبی شریک است. این روایت توضیحی نیاز دارد که بعد عرض می‌کنم. روایت 44886 نیز همین جور است.

روایت ابو بصیر

روایت 44888 از ابی بصیر هم می‌گوید:[[5]](#footnote-5)

**قال أبو جعفر 7 أعط الأخوات من الأمّ فریضتهنّ مع الجدّ.**

روایت ابی الربیع

روایتی این‌جا هست که ممکن است با ملاحظه سؤال سائل تصور شود سؤال از حکم جدّ است، ولی جواب امام 7 چیز دیگری است.[[6]](#footnote-6)

**عن أبی الرّبیع عن أبی عبد اللّه 7 فی الجدّ مع إخوة لأمّ قال إنّ فی کتاب علیّ 7 أنّ الإخوة من الأمّ یرثون مع الجدّ الثّلث.**

امام 7 إخوه اُمّ را پاسخ داده‌اند، اما این‌که جدّ چه قدر می‌برد را نفرموده‌اند. این باید برعکس باشد. همه روایت‌های دیگر را ملاحظه فرمایید إخوه اُمّ مع الجدّ سؤال کرده است. احتمالاً اشتباه نقل شده است.

پاسخ سؤال: باید بگوییم بقیه مال جدّ است. لقمه دور سر پیچاندن است دیگر، این طوری تعبیر نمی‌کنند. عین همین سند را ملاحظه فرمایید. این روایت را داشته باشید، بار دیگر برمی‌گردم و در موردش صحبت می‌کنم.

روایت مسمع ابو سیار

تنها یک روایت هست که مسئله را جور دیگری پرسیده است. روایت مسمع ابی سیّار را ببینید:[[7]](#footnote-7)

**سألت أبا عبد اللّه 7 عن رجل مات و ترک إخوة و أخوات لأمّ و جدّاً قال فقال الجدّ بمنزلة الأخ من الأب له الثّلثان و للإخوة و الأخوات من الأمّ الثّلث فهم فیه شرکاء سواء.**

ادعای اطلاق و پاسخ آن

ممکن است گفته شود تقریب استدلال آقای حکیم; که گفته‌اند جدّی که در این روایات وجود دارد اطلاق دارد و جدّ أبی و جدّ اُمّی را شامل می‌شود این باشد که در این روایت إخوه را قید زده و گفته است اُمّی یا أبی، ولی جدّ را قید نزده است و پیداست که جدّ اعم از أبی و اُمّی است.

پاسخ این است که علت قید نزدن این بوده که اتفاق داشته‌اند جدّ اُمّی همراه با إخوه أبی یا إخوه اُمّی ارث نمی‌برد، یعنی عامه می‌گویند اگر جدّ اُمّی باشد و إخوه امّی نیز باشند، جدّ ارث نمی‌برد و إخوه ارث می برند. در واقع مسئله‌ای که در میان عامّه مورد بحث است که آیا همراه با جدّ إخوه اُمّی ارث می‌برند یا خیر، منظور جد أبی است. جدّ اُمّی مورد سؤال نبوده است. این‌ها متعرض صورتی هستند که ارث بردن جدّ مسلّم است. سؤال این است که در آن صورتی که ارث بردن جدّ مسلّم است، آیا إخوه اُمّی یا حتی إخوه أبی همراه او ارث می‌برند یا خیر؟ یعنی صورتی که ولو به عقیده بعضی از عامه جدّ اثرگذار است. ولی آن صورتی که جدّ طبق نظر عامّه اصلاً اثرگذار نیست را سؤال نکرده است. پس علت قید نکردن این است و این نشان‌گر اطلاق نیست.

پاسخ سؤال: نه هیچ کدام سؤال موردی نیست. عن رجل مات و ترک إخوة و أخوات لامّ و جدّاً.

در روایت‌هایی که بحث إخوه و أخوات اُمّی هست، تنها در همین یک روایت سؤال به این شکل است که صورت مسئله را طرح کرده و گفته است برای ما حکم مسئله را بیان کنید. بقیه روایت‌ها همه این جور است که آیا همراه جدّ، إخوه اُمّی هم ارث می‌برند یا خیر و مشخص است که مراد از جدّ، جدّ أبی است.

حالا إخوه أبی را ملاحظه فرمایید. وقتی إخوه أبی در روایات مطرح شده اصلاً به این لحن نیست. لحنش این است که آیا جدّ با إخوه أبی ارث می‌برد یا خیر.

پاسخ سؤال: می‌خواهم بگویم تنها این یک روایت است که ممکن است توهّم شود فرمایش آقای حکیم; را تأیید کند. این هم ناظر به همان چیزهایی است که روایت‌های دیگر ناظر هستند. مرادم این است که ببینید نحوه تعبیرات چگونه است.

روایت معارض با روایات اخوه اُمی

این دسته روایات إخوه اُمّی معارضی دارد که باید حمل بر تقیّه شود. آن معارض هم مؤیّد همین مطلبی است که من عرض می‌کنم. شماره این روایت 44890 است:[[8]](#footnote-8)

**القاسم بن سلیمان قال حدّثنی أبو عبد اللّه 7 قال إنّ فی کتاب علیّ 7 أنّ الإخوة من الأمّ لا یرثون مع الجدّ.**

این که این‌جا قید زده است إخوه اُمّ با جد ارث نمی‌برد، تقیّه‌ای است. از جهت روایات مسلّم است و در همه روایات دیگر آمده که إخوه اُمّ با جدّ ارث می‌برد. ولی این‌که قید زده است إخوه اُمّ ارث نمی‌برد، مراد از جدّ، جدّ أبی است و الّا در جدّ اُمّی فرقی ندارد که إخوه اُمّی باشد یا أبی و اصلا سنّی‌ها قائل به ارث هیچ یک نیستند، بلکه ما قائل به ارث هستیم.

غالباً در عبارت‌هایی که إخوه اُمّی با جدّ آمده، تکیه بر إخوه اُمّی است، **انّ الإخوه من الاُمّ لا یرثون مع الجدّ**. تکیه بر این است که آیا إخوه اُمّی ارث می‌برد یا خیر و الّا ارث بردن جدّ مثل این‌که مفروغ عنه است. این‌جا که امام 7 فرموده‌اند ارث نمی‌برد، تقیه‌ای است.

پاسخ سؤال: آن معنا به نظر مستبعد است. احتمال قوی‌تر این است که این روایت تقیّه‌ای باشد.

پاسخ سؤال: وجهش این نیست، چون روایت‌های مشابه دیگر در کتاب علیّ را حمل بر تقیّه کرده است. وجه مرحوم شیخ تا همین جا روایت دیگری است که حمل بر تقیه کرده است در کتاب علیّ. آن خیلی مهم نیست و من روی آن تأکید ندارم که بگویم حتماً حمل بر تقیّه شود. وجه مرحوم شیخ روشن‌تر است. شیخ; می‌گوید که صورت مسئله جایی است که جد ارث می‌برد. بحث این است که آیا إخوه اُمّی هم همراه آن جدّ ارث می‌برد یا خیر. این جدّی که مرحوم شیخ هم تفسیر کرده باید جدّ أبی باشد نه جدّ اُمّی. چون اگر بحث مقاسمه باشد جدّ اُمّی با اخوه اُمّی ارث می‌برد. طبق نظر آقای حکیم; ایشان قائل به مقاسمه نیستند. بحث این روایت بماند.

روایت دیگـر

اما روایات إخوه أبی و جدّ را ملاحظه فرمایید.

روایت 44901 چنین است:[[9]](#footnote-9)

**عن زرارة قال: سألت أبا عبد اللّه 7 عن رجل ترک أخاه لأبیه و أمّه و جدّه قال المال بینهما نصفان و لو کانا أخوین أو مائةً کان الجدّ معهم کواحد منهم للجدّ ما یصیب واحداً من الإخوة**.

این‌جا تکیه روی مقدار سهم جدّ است. تکیه آن روایات بر این بود که آیا أخ ارث می‌برد یا خیر. چون این مسئله در میان عامه شدیداً اختلافی است. اشاره خواهم کرد که اختلافاتشان به چه نحو است. اختلافات رنگارنگ و فراوانی دارند در این‌که اگر همراه با جد إخوه أبی باشد، سهم إخوه أبی چقدر است.

**قال و إن ترک أخته فللجدّ سهمان و للأخت سهم و إن کانتا أختین فللجدّ النّصف و للأختین النّصف**

مراد از این أُختین هم أُخت أبی است. البته این‌جا أُخت أَبی گرفتن مهم نیست، زیرا این‌جا دلیل نیست و چون قبلاً مراد از أخ، أخ أبی بود می‌تواند اعتماد به قرینه قبلی شده باشد. یعنی این روایت بر آن مطلب که ما قائل هستیم أَخ و أُخت انصراف دارد به أَخ و أُخت أَبی دلالت ندارد. ولی تعبیر آخرش را ملاحظه بفرمایید:

**قال و إن ترک إخوةً و أخوات من أب و أمّ کان الجدّ کواحد من الإخوة للذّکر مثل حظّ الأنثیین.**

باز تکیه روی این است که جدّ چه طوری ارث می‌برد.

روایت بعدی

روایت بعدی 44902 است:[[10]](#footnote-10)

**إنّ الجدّ مع الإخوة من الأب یصیر مثل واحد من الإخوة**.

باز روی جدّ تکیه دارد. چون محطّ اشکالی که آن‌جا هست روی سهم جدّ است، می‌گوید سهم جدّ چقدر است. مثل این‌که اصل ارث بردن او مسلّم است. این مربوط به اُمّی نیست و ناظر به این است. می‌خواهم اختلاف

تعبیر را نشان دهم. جایی که إخوه أُمّی است تکیه روایت روی إخوه أُمّی است که آیا إخوه أُمّی ارث می‌برد و چه طور ارث می‌برد. جایی که روی إخوه أَبی است بحث را روی إِخوه أَبی نمی برد، بلکه بحث می‌کند که جدّ چگونه ارث می‌برد. این خودش نشانگر این است که حکم چگونه است. این اختلاف تعبیرات مال چیست؟ این اختلاف تعبیرات به خاطر همان فتوای عامّه است که محطّ اشکال در إخوه أُمّی روی إخوه أُمّی است و در إخوه أبی در سهم الإرث جدّ است و آن جدّی که سهم الإرثش محلّ اختلاف است جدّ أَبی است نه جدّ أُمّی.

ریزه‌کاری‌هایی در روایات هست به خصوص در بحث إخوه أبی یکی دو تا روایت هست، این‌ها را ملاحظه فرمایید. این‌ها روایاتی بود که إخوه أُمّی و جدّ و إخوه أَبی و جدّ را داشت.

دسته سوم روایات

دسته سوم روایات، روایات مطلقی است که شاید اکثر روایت‌های ما همین‌ها باشد، یعنی إخوه و جدّ است. الآن فقط آدرس روایاتش را می‌دهم، برخی از روایاتش توضیحاتی دارد. روایات 44904 تا 44918 که از رقم 38 باب شروع می‌شود را ملاحظه فرمایید. روایت‌های خاصّی است و در خود همین روایت‌ها قرائنی وجود دارد که مراد از کلمه جدّ در آن‌جا جدّ أبی است. این را ملاحظه فرمایید فردا ان شاء الله در موردش توضیح می‌دهم. خلاف مرحوم شیخ طوسی را مراجعه کنید. دو سه فصل بعدی هست که فتوای عامّه را نقل می‌کند. آن‌ها را ببینید، خیلی برای فهمیدن این روایت‌ها مفید است. آدرس‌هایی هم که در ذیل خلاف هست خوب است.

**و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد**

1. . کافی، ج 7، ص 111، ح 2: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد عن محمّد بن إسماعيل و عليّ بن إبراهيم عن محمّد بن عيسى عن يونس جميعاً عن محمّد بن الفضيل عن أبي الصبّاح الكنانيّ قال: سألت أبا عبد اللّه 7 عن الإخوة من الأمّ مع الجدّ قال الإخوة من الأمّ فريضتهم الثلث مع الجدّ. [↑](#footnote-ref-1)
2. . کافی، ج 7، ص 112، ح 5: محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد عن ابن محبوب عن عليّ بن رئاب عن ابن مسكان عن الحلبيّ عن أبي عبد اللّه 7 في الإخوة من الأمّ مع الجدّ قال للإخوة من الأمّ مع الجدّ نصيبهم الثّلث مع الجدّ. [↑](#footnote-ref-2)
3. . کافی، ج 7، ص 112، ح 7: محمّد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان عن صفوان عن ابن مسكان عن الحلبيّ عن أبي عبد اللّه 7 قال: سألته عن الإخوة من الأمّ مع الجدّ فقال للإخوة للأمّ فريضتهم الثّلث مع الجدّ. [↑](#footnote-ref-3)
4. . فقیه، ج 4، ص 282، ح 5633: و روى أبان عن بكير و الحلبيّ عن أحدهما 8قال للإخوة من الأمّ الثلث مع الجدّ و هو شريك الإخوة من الأب. [↑](#footnote-ref-4)
5. . کافی، ج 7، ص 111، ح 4: الحسين بن محمّد الأشعريّ عن معلّى بن محمّد عن الحسن بن عليّ الوشّاء عن أبان بن عثمان عن أبي بصير قال قال أبو جعفر 7 أعط الأخوات من الأمّ فريضتهنّ مع الجدّ. [↑](#footnote-ref-5)
6. . فقیه، ج 4، ص 283، ح 5636: و روى الحسن بن محبوب عن خالد بن جرير عن أبي الرّبيع عن أبي عبد اللّه 7 في الجدّ مع إخوة لأمّ قال إنّ في كتاب عليّ 7 أنّ الإخوة من الأمّ يرثون مع الجدّ الثّلث. [↑](#footnote-ref-6)
7. . کافی، ج 7، ص 111، ح 3: و عنه عن أحمد بن محمّد و عليّ بن إبراهيم عن أبيه عن ابن محبوب عن حسين بن عمارة عن مسمع أبي سيّار قال: سألت أبا عبد اللّه 7 عن رجل مات و ترك إخوة و أخوات لأمّ و جدّاً قال فقال الجدّ بمنزلة الأخ من الأب له الثّلثان و للإخوة و الأخوات من الأمّ الثّلث فهم فيه شركاء سواء. [↑](#footnote-ref-7)
8. . تهذیب، ج 9، ص 308، ح 24: فأمّا ما رواه عليّ بن الحسن بن فضّال عن محمّد بن عبد اللّه بن زرارة عن محمّد بن أسلم عن يونس عن القاسم بن سليمان قال حدّثني أبو عبد اللّه 7 قال إنّ في كتاب عليّ 7 أنّ الإخوة من الأمّ لا يرثون مع الجدّ. [↑](#footnote-ref-8)
9. . کافی، ج 7، ص 110، ح 8: عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد و محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد جميعاً عن ابن محبوب عن عليّ بن رئاب عن زرارة قال: سألت أبا عبد اللّه 7 عن رجل ترك أخاه لأبيه و أمّه و جدّه قال المال بينهما نصفان و لو كانا أخوين أو مائةً كان الجدّ معهم كواحد منهم للجدّ ما يصيب واحداً من الإخوة قال و إن ترك أخته فللجدّ سهمان و للأخت سهم و إن كانتا أختين فللجدّ النّصف و للأختين النّصف قال و إن ترك إخوةً و أخوات من أب و أمّ كان الجدّ كواحد من الإخوة للذّكر مثل حظّ الأنثيين. [↑](#footnote-ref-9)
10. . کافی، ج 7، ص 109، ح 2: عليّ بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن عمر بن أذينة عن زرارة و بكير و الفضيل و محمّد و بريد عن أحدهما 8قال: إنّ الجدّ مع الإخوة من الأب يصير مثل واحد من الإخوة ما بلغوا قال قلت رجل ترك أخاه لأبيه و أمّه و جدّه أو قلت ترك جدّه و أخاه لأبيه و أمّه قال المال بينهما و إن كانا أخوين أو مائة ألف فله مثل نصيب واحد من الإخوة قال قلت رجل ترك جدّه و أخته فقال للذّكر مثل حظّ الأنثيين و إن كانتا أختين فالنّصف للجدّ و النّصف الآخر للأختين و إن كنّ أكثر من ذلك فعلى هذا الحساب و إن ترك إخوةً و أخوات لأب و أمّ أو لأب و جدّاً فالجدّ أحد الإخوة فالمال بينهم للذّكر مثل حظّ الأنثيين قال زرارة هذا ممّا لا يؤخذ عليّ فيه قد سمعته من أبيه و منه قبل ذلك و ليس عندنا في ذلك شكّ و لا اختلاف. [↑](#footnote-ref-10)